



استراتژی پیامبر (ص) در ابلاغ دعوت

پدیدآورده (ها) : شور ورزی، ع
علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: مهر و آبان 1386 - شماره 66
از 4 تا 28
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/162433>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی
تاریخ دانلود : 25/12/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



استراتژی پیامبر در ابلاغ دعوت

ع. شوروزی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

دعوت داعیان الهی به آموزه‌های والا و الوهی است که سبب فراخوانی انسان‌ها به مکتب و مرامی نوین می‌گردد. شعاع این دعوت‌ها و جذب و انجذاب‌های آنها متفاوت و در همه‌ی سطوح و برای همیشه در تاریخ بشر استمرار می‌یابد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از آغازین لحظه‌های دعوت برای نشر آرمان‌ها و اندیشه‌ها و تعالیم خویش از استراتژی، راهبرد و سیاست واحدی تبعیت می‌کردند تا بتوانند آن اصول و ایده‌ها و آرمان‌ها را به خوبی ابلاغ نموده و عملاً در سطوح جامعه‌های انسانی پیاده نمایند. گزینش راهبردهای واحد، ضرورت و اقتضای ماهیت دعوت ایشان بوده است. در این نوشتار، این مهم به مرحله‌ی تبیین نهاده شده، ضرورت اتخاذ استراتژی واحد، به

دلیل سنگینی محتوای دعوت و ابدی بودن پیام‌ها، از مسائل مهم مطرح شده در این نوشتار است.

استراتژی پیامبر ﷺ را چند عامل تشکیل می‌دهد که در این نوشتار تبیین شده است. ثبات مقصد، که از آغاز تا پایان، مقصد واحدی بوده است. اموری که ثبات مقصد را حکایت می‌کنند عبارتند از: مقاومت در برابر پیشنهاد عقب نشینی از دعوت، مقاومت بر ادامه‌ی هدف در شعب ابی طالب، تکیه بر اصول ثابت در فتح مکه.

در این استراتژی، امور مهم و قابل توجه دیگری وجود داشته‌اند که عبارتند از: ایمان به راه‌گزینش شده و نشان دادن این ایمان، صبر و استقامت بی‌نظیر در راه آرمان‌ها، همچون تغییر بنیانی در سطوح فکری و روانی جامعه‌ی انسانی و تغییرات زیربنایی و روبنایی و نیز گشودن افق‌های جدیدی فراروی انسانیت که در راستای این امور، صبر و استقامت بی‌نظیری را از خود نشان دادند.

سازش ناپذیری در اصول، از دیگر برنامه‌های ثابت ایشان بوده است.

برخورداری از ضابطه‌های عقلانی و وحیانی در دعوت، همچون صفت مدارا در دعوت و بهره‌وری از وسیله‌ی مشروع در طریق ابلاغ آرمان‌ها و تئور افکار و اندیشه‌ها. در خاتمه دو مرحله را در دل استراتژی پیامبر تبیین نموده‌ایم؛ مرحله‌ی نخست، ساختن شخصیت اسلامی و مرحله‌ی دوم ساختن حکومت و تأسیس جامعه‌ی عادلانه.

واژگان کلیدی: استراتژی، دعوت، ثبات مقصد، صبر و استقامت، عدالت، عقلانیت.

درآمدی بر عنوان

پدیده‌ی دعوت داعیان الهی به اندیشه‌های والا و آموزه‌های رهایی بخش و معنا آفرین، مسأله‌ای مهم است که سبب فراخوانی انسان‌ها به مکتب، راه و مرامی



نوبین و الهی می‌گردد و حادثه‌های عظیم در تاریخ محسوب می‌گردد. شعاع این دعوت‌ها، به حسب ماهیت آنها، تفاوت یافته و جذب و انجذاب‌هایی هم که صورت می‌گیرد، متفاوت است. برخی در یک فرصت تاریخی اندکی، برای تبیین یک راه به بیان اندیشه‌های والای خود می‌پردازند، تا راهی را به روی انسان و به سوی معنویت بگشایند، که البته در همین ظرف زمانی محدود پیروانی راستین را به سوی خود جذب می‌کنند.

اما در روند تکاملی دعوت‌ها، استغنائی درونی، و پیام دائمی و جاودانه‌ی یک دعوت، اقتضا دارد که دیگر در یک فرصت اندک تاریخی محدود نماند، این رسالت سترگ، باید مرزهای زمان و حائل‌ها را در نوردد و در همه‌ی سطوح و ابعاد، دارای آموزه‌هایی راه‌گشا باشد.

رسالت پیامبر اعظم اسلام ﷺ، از نوع اخیر است؛ پیامی ماندگار و نهایی است و همه‌ی آنچه را که در هر زمینه‌ای بشریت به آن نیاز داشته، در خود نهفته دارد و خاصیت فناپذیری و جهان‌شمولی و همه‌زمانی بودن را در خود گرد آورده و لذا در حصار زمان و مکان نمی‌گنجد، ذات و جوهری حصارشکنانه دارد که باید برای همیشه و همواره در جان انسان‌ها، از هر رنگ و نژاد و تیره بنشیند و بسازد و تکامل بخشد. چنین رسالتی از ویژگی‌هایی برخوردار است که به او امکان می‌دهد در قله‌ی تاریخ بشری و در عالی‌ترین مسند بنشیند و پیوسته فراخوانی و دعوت نماید.

رسالت اسلامی، برخوردار از همین خصلت و جانمایه‌ی درونی است، پیامبر اعظم ﷺ از آغازین لحظه‌های دعوت بر همین اساس رسالت جهان‌شمول و گسترده و همه‌سو نگر خود را آغاز نمود. پیامبر ﷺ در ابلاغ رسالت جهانی و معناآفرین خویش، از نوعی استراتژی فعال برخوردار است که رمز موفقیت ایشان بوده و اکنون ما پیروان آن وجود الهی، الزامی باطنی و التزامی درونی داریم که با درک استراتژی فعال آن سفیر رحمت، در ابلاغ بایسته‌ی شریعتش بر نگره‌های جهان معاصر بکوشیم.

از این رو بازشناسی این استراتژی، گوهری راه‌گشا خواهد بود، به این سبب و

جهت است که این نوشتار را با درکی تطبیقی در معرفت رسالت خویش ضروری می‌دانیم.

مفهوم استراتژی

از کلمه‌ی استراتژی، تعاریفی صورت پذیرفته است، که در نگاهی کلی، می‌توان این مفاهیم و تعاریف را ارائه نمود. در لغت، به معنای «راهبرد، تدبیر، سیاست، خط مشی، اصول بنیانی، نقشه و مدل کار است» (فرهنگ معین، کلمه‌ی استراتژی). در اصطلاح، «استراتژی، حرکتی کلی و طرحی جامع، با فلسفه یا مدون و با تکیه بر اصولی ثابت است که برای رسیدن به هدفی معین، گزینش می‌گردد».

دعوت اسلامی پیامبر ﷺ و اتخاذ استراتژی

دین اسلام، در قالب آموزه‌هایی و حیانی، بر قلب نورانی پیامبر رحمت ﷺ عرضه گردید. در آغاز، حرکتی از ناحیه‌ی پیامبر ﷺ بود، با تعدادی اندک از گرویدگان، با آموزه‌هایی گدازنده، تکان دهنده و برانگیزاننده که از خصلتی پویا، جذاب و حامل انجذاب‌های باطنی برخوردار بود. این دعوت در آغاز، وجود سه انسان والا را به نور خود برکشید، محمد ﷺ، به عنوان حامل رسالت و گیرنده‌ی نخستین آن، که جانش از همه جهت انگیزش یافته بود و خدیجه ﷺ، همسرش، که از فطرتی پاک برخوردار است و علی ﷺ، نوجوانی که با شنیدن فروزش اولین آیات وحی، جانش متحول گردیده و روح جستجوگر و حقیقت‌گرایش‌سمت و سو و جهت یافته، اما تدریجاً این دعوت، حصارهای زمان و مکان را درهم شکست و در خارج از این محدوده‌ی جمعیتی و زمانی و مکانی مطرح شد.

پیامبر ﷺ، به دلیل ارتباطش با کانون ماورای عالم ماده، به خوبی می‌داند برای توفیق هر چه بیشتر باید استراتژی پویا و برخوردار از اصولی کلی را در نوع دعوت خویش برگزیند.

سنگینی دعوت و لزوم استراتژی

دعوت در رسالت، دعوتی به حقیقت‌هاست و قرار است به وسیله‌ی دعوت، بتواند دروازه‌ی معنویت وجودی انسان را بگشاید و به شریعه‌ی معنا متصل سازد. از این رو خداوند محتوا و مبانی خاصی را در دعوتش قرار داده است، تا این امر محقق شود و با توجه به این که بشر به ماده و علایق مادی‌اش وابسته است، برایش فوق‌العاده سخت است که از ماده دل‌کنده شود و به معنا متصل گردد. قرآن مجید، می‌خکوب شدن انسان به ماده را کاملاً توضیح داده است؛ مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ لِكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ (توبه، ۳۸)، چه شده است شما را هنگامی که به شما گفته می‌شود در راه خدا حرکت کنید، به زمین می‌چسبید و سنگینی می‌کنید.

مفهوم این سخن این است که شما را از ماده‌کندن، کاری دشوار و سخت است، چون میل شما به این است که به زمین بچسبید، لذا انتقال بشر از ماده و اتصال آن به عالم معنا، که کاری پیامبرانه است، فوق‌العاده سخت و سنگین می‌باشد. به همین جهت است که کار پیامبر ﷺ کاری سخت و دشوار است، چنان که به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: *تَوَارَعُوا رِسَالَتِي* (۵)؛ ما به زودی گفتاری سنگین را بر تو خواهیم افکند.

وقتی که محتوای مأموریت، کاری باشد فوق‌العاده دشوار، می‌گویم

مأموریت سنگین (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۸۴).

کار همه‌ی پیامبران علیهم‌السلام، به همین جهت سخت است که قرار است بشر را از ماده برهانند و به سوی معنا سوق دهند، زیرا که «حرکت دادن انسان‌ها از خود و از نفس پرستی به سوی حقیقت پرستی، کار مشکل این است» (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۸۶).

از مسلمات عقلانی و برهانی است که به هر درجه و نسبتی که کاری از ظرافت و حساسیت برخوردار باشد، پیچیدگی دز برخوردار و اعمال هدف‌ها و الزامات

آن کار هم وجود دارد. در رأس الزام‌ها، الزام‌های مربوط به استراتژی است که در چارچوب آن به نقش آفرینی می‌پردازد.

چنان‌که اشاره کردیم مهم‌ترین، اصولی‌ترین و زیربنایی‌ترین اصلی که در راستای آن به تکاپو و تلاش می‌پردازند، ابلاغ صحیح مفاهیم و آموزه‌های دینی بود. این استراتژی در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از لحظه‌ی رسالت تا زمان رحلت ایشان موجود بوده و ذره‌ای هم از آن عدول و تخطی نفرموده است، که چند فراز عمده را شامل می‌گردد.

الف - ثبات مقصد

واضح است که اگر فردی دارای استراتژی باشد، با تغییر شرایط، زمینه‌ها و نوع برخوردهای خصم، مسیر خود را تغییر نمی‌دهد. به همین دلیل بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایده‌سای اصولی صلابت داشت. علتش هم آن بود که ایشان از یک خط سیر واحد و اهداف و غایات عالی و احدی تبعیت می‌نمود و هرگز تخلف از آن را شایسته و روان نمی‌دانست.

پیغمبر در مسائل فردی و شخصی نرم و ملایم بود نه در مسائل اصولی و کلی، در آنجا پیغمبر صلی الله علیه و آله صد در صد صلابت داشت، یعنی انعطاف‌ناپذیر بود (سطهری، ۱۳۶۸، ۲۳۶).

نتیجه‌ی این استراتژی از ناحیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که در مقابل خصم، هرگز تغییر موضع نمی‌داد. وحدت استراتژی همان وحدت در مسیر و هدف و پافشاری بر روی آن است.

ان مبدء المقصد یعنی الثبات والاصرار علی تحقیق الهدف المحدد،
مهما بلغت التوضیحات و مهما كانت النتائج، و فی هذا المجال نقول ان
الرسول الکریم یعتبر نموذ جائتندی به فی ثبات المقصد (احمد علی
الملا، ۱۹۸۶ م، ۱۴۰۶ ه، ۹۴).

بگانگی مقصد و اصرار بر پی‌جویی اهداف انتخاب شده و تعریف شده، به

هر اندازه در راهش جان‌فشانی شود و به هر وسیله‌ای برسد، گامی بلند است که در این عرصه، رسول گرامی و بزرگ اسلام ﷺ یک نمونه‌ی عالی در ثبات مقصد و مرامی واحد و بی‌بدیل است.

نمونه‌های عملی ثبات مقصد

ثبات مقصد و اصرار بر اصول واحد و استراتژی معین در رسول گرامی اسلام ﷺ را در کلیه‌ی اعمال آن گرامی می‌توان سراغ گرفت، که به عنوان نمونه، سه مورد را اشاره می‌کنیم.

۱) مقاومت در برابر پیشنهاد عقب‌نشینی از دعوت

مخالفان پیامبر ﷺ، اصرار داشتند که پیامبر ﷺ از دعوت خویش دست برداشته و از پی‌گیری اصول، عقب‌بنشیند و دیگر بر اصول خویش اصراری نداشته باشد. آنها به نزد ابوطالب علیه السلام رفته و پیشنهاد خود را مبنی بر خودداری پیامبر ﷺ از دعوت خویش مطرح کردند و از ابوطالب علیه السلام خواستند که پیشنهاد آنها را با پیامبر ﷺ در میان بگذارد.

«قال له ابوطالب عمه: يا ابن اخي، هولاء مشيخة قومك و سرو سرواتهم و قد سالوك النصف ان تكف عن شتم اهتهم و يدعوك و الهك، فابق على و على نفسك، و لا تحملني ما لا اطيق، نظن الرسول الكريم انه قد بدا لعمه فيه بداء و انه خاذله و مسلمه، و انه قد ضعف عن نصرته و القيام معه، فقال الرسول الكريم يا عماه لو وضعوا الشمس في يميني و القمر في يساري، على ان اترك هذا الامر، حتى يظهره الله او اهلك فيه، ما تركته» (احمد على الملا، ۱۹۸۶ م، ۱۴۰۶ هـ، ۱۰۵).

ابوطالب گفت: پسر برادرم اینان بزرگان و پیروان قومت هستند و از تو خواسته‌اند که از در انصاف وارد شوی و از اهانت به خدایانشان دست‌نگهداری تا تو و خدایت را واگذارند، پس برای من و خودت نگهبانی کرده و از خود نگهبان باش. پیامبر ﷺ، گمان برد که ابوطالب علیه السلام می‌خواهد او را تسلیم کرده و

از یاری اش دست نگه دارد. پیامبر ﷺ فرمود: ای عمو، اگر خورشید را در دست راستم نهند و ماه را در دست چپم بگذارند، به این که این امر را واگذارم، چنین نخواهم کرد تا این که یا خداوند امر خود را ظاهر نماید و یا در این راه جانم را فدا کنم و هرگز از این سیره و روش عقب نخواهم نشست.

۲) مقاومت بر ادامه‌ی دعوت در شعب ابی طالب

از آنجا که دعوت پیامبر ﷺ، با تکیه بر اصولی ثابت و غیرقابل عدول بود، در سختی‌ها و شدایدی که پیش می‌آمد، همچنان روی اصول، ثابت قدم بودند، که از جمله حوادث مهم، محاصره‌ی پیامبر ﷺ و نومسلمانان در شعب ابوطالب بود.

«و لم یکتف فراعنة قریش باغتیالات بل حصروا الرسول ﷺ و بنی هاشم فی شعب ضیق و قاطعوهم اقتصادیا و اجتماعیا حتی اصبح الخبز عندهم سلعة نادرة» (نجاح الطائی، ۱۴۱۹، ۵).
فراعنه‌ی قریش به حيله‌ها و نیرنگ‌های پیشین اکتفا نکردند، بلکه پیامبر ﷺ و بنی‌هاشم را در دره‌ای تنگ به محاصره گرفتند و کمک‌های اقتصادی و اجتماعی را به روی آنان قطع کردند، به گونه‌ای که تکه‌ای نان برای آنها گران‌بهایی نادر و کمیاب شمرده می‌شد.

در همین وضعیت سخت و دشوار، رسول اکرم ﷺ هرگز از آرمان‌های دعوت، روش‌ها و اصول مطروحه در آن عدول نورزید. پیامبر اکرم ﷺ صراحت و صداقت را در ابلاغ رسالت خویش مورد توجه شدید قرار می‌داد. صراحت و صداقت پیامبر اکرم ﷺ در ماجرای شعب ابی طالب، با نرمش و انعطاف و صلابت آمیخته بود.

۳) تکیه بر اصول در فتح مکه

فعل پیامبر ﷺ، تابع یک استراتژی عالی و مقصدی روشن و مشخص است،

ایشان از یک منطق عملی ثابتی تبعیت می‌کند و لذا به این مسأله نگاه نمی‌کند که امروز قدرت پیدا کرده و باید طبق شرایط قدرت عمل نماید؛ حالا می‌توانند ببخشند و می‌تواند تنبیه نماید. هرگز چنین عملی را انجام نمی‌دهد، بلکه باز هم در مواجهه با عناصر مزاحم سر راهش، همان‌هایی که در دوره‌ی سختی‌ها و رنج‌های مکه، از دست آنان ستم‌ها دیده، با توجه به همان منش عالی و اهداف مقدسش رفتار می‌نماید. سیاست الهی، قلب نورانی پیامبر ﷺ را پر کرده است، لذا با جلالت معنوی با معاندان مکه مواجه می‌شود، چون باز هم هدفش انسان‌سازی است و می‌خواهد فعلی انجام دهد که شاید در قلب آنها اثر گذاشته و آنها را بسازد و علاوه بر این که خط و مسیری باشد برای آیندگان، لذا به آنها می‌فرماید: «فأذهبوا فائتم الطلقاء» (ابی نعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی، ۱۹۸۸ م، ۲۳۲).

بروید که شما را آزادگان نمودم.

البته پیامبر ﷺ می‌خواهد آنها را از خود برهاند و کاری کند که خود بفهمند، تصمیم گرفته و به راه آیند پیامبر ﷺ می‌خواهد آنها را از خود پرستی به حقیقت پرستی بکشاند.

از مطالبی که در این راستا می‌توان تبیین نمود، این است که ارزش رهبری‌های بزرگ و عظمت آنها و تأثیرگذاری آنها، منوط به همین عامل رئیسی است؛ یعنی عامل ثبات مقصد. این مسأله هم رهبری را فعال می‌سازد و هم ارزش رهبری را بالا برده و میزان اثربخشی اش را افزون می‌سازد. اثرگذاری رهبری، به کثرت تعداد نفرات و یا تجهیزات مادی و اسلحه نیست، بلکه این عامل کلیدی است که رهبری‌ها را فعال نموده، از ذخیره‌های موجود، حداکثر بهره‌وری را می‌نماید و همین خصلت منجر به معرفی مواضع و دیدگاه‌ها و در نتیجه، منجر به نابودی و درهم شکستن خصم و جبهه‌ی مقابل می‌گردد.

ب - ایمان به راه گزینش شده

در استراتژی‌های فعال رهبران بزرگ، ایمان به راهی که خود دارند بسیار کارگشا

و مهم و تأثیرگذار است. این ایمان در نفس و جان رهبری، ایمانی قوی را به پیروان منتقل می‌نماید و در نتیجه جبهه‌ای متحد، مانند بنیانی مرصوص و غیر قابل شکست، شکل می‌گیرد.

«و فی التاريخ امثلة كثيرة تدل قاطعة على صحة هذه النظرية، و تثبت انها ما تزال سالحة حتى ايامنا هذه، عمل الرسول الكريم (قبل كل شیء) على غرس الايمان في نفوس المحاربين و اقنعهم انهم یقاتلون في سبیل مثل اعلا و هو اعلاء كلمة الله و رایة الاسلام و نشر رسالته على الملاکافة و انهم مستصرون لاجالة لانهم ینفذون ارادة الله على الارض» (احمد علی الملاء، ۱۴۰۶ هـ، ۱۰۰).

در تاریخ، نمونه‌های فراوانی است که به طور قطع بر صحت این نظریه دلالت می‌نماید، و این نظریه تاکنون ثابت شده است و لذا رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم قبل از هم اقدامی به گونه‌ای عمل کرد که این ایمان را در جان مبارزان محکم نماید و قانعشان نماید که آنها در راه ایده‌های عالی مبارزه می‌کنند، که عبارت است از اعلاء کلمه‌ی خدا و پرچم اسلام و نشر دعوت و رسالت خویش بر تمام انسان‌ها و اعلام این که آنها پیروزند، چون در راه تحکیم اراده‌ی الهی و تثبیت آن بر روی زمین تلاش می‌نمایند.

از صفات برجسته‌ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، که در دل استراتژی دعوت آن حضرت قرار داشته است، ایمان شدید ایشان به راه و مسیری است که گزینش فرموده‌اند. لذا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توانست در نفوس اصحاب خودش توانست ایمانی را منتقل نماید که آنها را علیه پستی‌ها و زشتی‌ها بشوراند و در راه نصرت دعوت اسلامی به تکاپو و تلاش و صف‌ناپذیر وادارد.

در همین راستا به نمونه‌ای از روایات اشاره می‌کنیم:

«عن ابن عباس: ان رسول الله خرج علیهم و هم جلوس فقال: الا اخبرکم بخیر الناس منزلاً یوم القیامة؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال: رجل اخذ براس فرسه فی سبیل الله حتی یوت او یقتل» (احمد علی

المأ، ۱۴۰۶ هـ، ۱۱۰).

ابن عباس روایت نموده که رسول اکرم ﷺ بر آنها وارد شد، در حالی که آنها نشسته بودند و فرمود: آگاه نمایم شما را به بهترین انسان‌ها از نظر منزلت در روز قیامت؟

آنها گفتند: آری یا رسول الله! فرمود: مردی که دهانه‌ی اسبش را گرفته و در راه آرمان‌ها در جنگ و نبرد است تا وقتی که بمیرد یا در این راه کشته شود. پیامبر ﷺ با این تشویق‌ها و ترغیب‌ها، ایمانی فرازمند و بلند را به پیروان خویش منتقل می‌نمود و آنها را در مسیر آرمان‌های متعالی و مقدس به حرکت وامی‌داشت.

در گزارش‌های تاریخی می‌خوانیم که یاران رسول اکرم ﷺ، با این استراتژی پیامبر ﷺ، همواره از مسیری که در آن قرار گرفته‌اند راضی و خشنود بودند و تلاش می‌کردند خود را همچون پیامبر ﷺ در مسیر تعالی‌ها به پویش وادارند.

ج - صبر و استقامت در طریق آرمان‌ها

اصلاح همه جانبه و کلی نسلی پاک و رساندن آنها به اهدافی برین و والا، مستلزم صبر و استقامتی در خور می‌باشد، که باید در متن استراتژی و شیوه‌ی مرامی انسان‌های بزرگ و هدف‌مند قرار داشته باشد. به همین جهت است که قرآن مجید، پیامبر اکرم ﷺ را به گزینش صبر و استقامت فرمان می‌دهد؛ فاصبر كما صبر اولو العزم من الرسل، پس صبر پیشه کن چنان که پیامبران اولوالعزم صبر پیشه ساختند.

خود پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«شبیته سورة هود لكان هذه الاية: فاستقم كما امرت و من تاب

معك»

سوره هود پیرم نمود، به خاطر وجود این آیه در آن که: پس استقامت کن چنان که امر شده‌ای تو و کسانی که با تو هستند.

علت برخورداری پیامبر ﷺ از صبر بیش از حد تصور را می‌توان در چند نکته‌ی اساسی مشاهده کرد، یعنی با توجه به چند عامل رئیسی است که پیامبر ﷺ باید در استراتژی خود، صبر را محور و اساس قرار دهد.

۱) تغییرات بنیانی در جامعه‌ی انسانی

پیامبر می‌خواهد تغییراتی بنیانی را در جامعه‌ی انسانی به وجود بیاورد؛ جامعه‌ای که دارای مشکلات عدیده است، نظیر وجود طبقات سودجو در جامعه، طبقات غیرموحد و مشرکانی که بر شرک اصرار دارند، و بر کفر پیشگی تصلب دارند؛ جامعه‌ای که حالت دو قطبی دارد، قطبی مرفه و برخوردار و قطبی ضعیف و ناچیز در جامعه. فقدان قوه‌ی درک و بصیرت در جامعه‌ی جاهلی، و ابتدایی، فقدان امنیت، پایین بودن شور و ادراک افراد جامعه، فقدان درکی روشن از آزادی انسانی، سیطره‌ی تعصبات قبیله‌ای، نژادی، طبقاتی، عدم درک روشن از قانون و ضرورت آن، بسط نداشتن درک معنوی و نگاه روحانی به جهان، فقدان تفسیری روحانی از هستی، و... تلاش‌هایی وسیع را می‌طلبد. اکنون دعوت پیامبر ﷺ با طرد همه‌ی این انگیزه‌ها آغاز گردیده است، که به طور قطع در مسیر این غایات عالی، باید پیامبر ﷺ صبری در خور و استقامتی بی‌نظیر داشته باشد تا بر این مشکلات، که در لحظه‌ی آغاز دعوت طبیعی می‌نماید، غلبه نماید و به وادی سلامت برسد و جامعه را وارد فضایی دیگر نماید.

پیامبر ﷺ در صدد است بینش‌ها را تغییر دهد و بنیانی نوین را سامان دهد، که قطعاً بر آوردن این هدف، بدون صبر و استقامت میسر نخواهد بود، لذا پیامبر اکرم ﷺ در درون استراتژی خودشان صبر و استقامت را قرار داده‌اند.

سید یحیی نذیر حسینی، در کتاب سیاست الانبیاء، دروس و عبر می‌نگارد:
«و اذا تصفحنا تاریخ حیاتہ الشریفہ وجدناه حافلاً بالمعافاة و العذاب و الآلام متقلداً بالقیم و التقالید السامیة الی یفقدہا مجتمع الیوم فضلاً عن مجتمعه ففتح عینہ ﷺ یتیماً فاقد للاب و حنانه

فلجاً الى الله تعالى، الى ربه الى من يكفله و يعنيه في حياته الصعبة، الى مرشده في الشدائد و الصعاب، فنصر الله في نفسه و بتعامله فنصره الله ... فسلام عليه يوم ولد بين ظهرائي هذه الامة، و سلام عليه يوم عذب بين اهلها، و سلام عليه يوم هاجر الى المدينة و... و سلام عليه يوم يقف شاهداً على اعمال امته و ما خلفوه و الى ذلك فليصبر الصابرون» (سيد نذير يحيى، بی تا، ۱۴۳).

هنگامی که تاریخ را مرور کنیم می بینیم که پیامبر اسلام سختی ها را بر دوش افکنده و عذاب و رنج را دربرکشیده و ارزش های الهی را پاس داشته و روش های عالی را گزینش کرده است؛ ارزش هایی که جماعات امروز بشری آنها را فاقدند تا چه رسد به جامعه های جاهلی دوران آن گرامی، تا چشم باز کرد، پدر را ندیده و گرمی وجودش را محروم شد، و به خدا اعتماد کرد و در روزگار سخت زندگی اش به خدا اعتماد ورزید، خدا را یاری کرد، خدا هم او را یاری فرمود. پس سلام بر او باد وقتی که در میان این امت ظاهر شد و سلام بر او هنگامی که در میان امت سختی ها را تحمل کرد و سلام بر او باد هنگامی که به مدینه هجرت نمود، و سلام بر او هنگامی که شاهد بر اعمال امتش می باشد و شاهد است بر آنچه که بعد از او به وجود آمده است. به این شیوه های ارزشی است که باید صابران مسیر خود را انتخاب نمایند.

۲) گشودن افق جدید فراروی انسان

پیامبر اسلام ﷺ، می خواهد همه ی عائله ی بشری را هدایت نماید. او پیامبر همه ی بشریت است و در صدد است افقی نو و تازه را فراروی بشریت بگشاید. او می خواهد رسالت خویش را از افقی بسته به افقی فرازمند و وسیع، که پنجره ای به همه ی تاریخ و همه ی جهان دارد، برساند. عمق رسالت پیامبر، عمقی شامل و کامل است یعنی بر همه ی بشریت تسری یافته است. از این ناحیه که بنگریم، مسائلی را می بینیم که قطعاً نیازمند صبر و شکیبایی و بردباری است. در همین

راستا خود فرموده است:

«ما اوذی نبی مثل ما اوذیت» (سید نذیر یحیی، بی تا، ۱۴۲)

هیچ پیامبری به اندازه من آزار و اذیت ندیده است.

«كان رسول الله يتحنن الفرص في التجمعات والاجتماعات التي تحدث بمناسبة او بغير مناسبة لنشر دعوته بين الناس والسر في ذلك تأسيس قاعدة ترتكز عليها الرسالة فكان يعرض دعوته على القبائل التي يمر بها في كل رحلته واسفاره حتى صارت الرسالة اول منطقة اذا تكلم ... وهذا يكشف عن مدى العمق الرسالي ...»

(سید نذیر یحیی، بی تا، ۱۴۷).

پیامبر اکرم ﷺ فرصت‌ها را شکار می‌کرد، در تجمعات و اجتماعاتی که با مناسبت یا بدون مناسبت برقرار می‌گردید تا دعوتش را در میان آنها ابراز کند. سر این مسأله هم در قاعده‌ای بنیانی در عمق رسالت او است. پیامبر ﷺ دعوتش را بر قبایل و طایفه‌های که می‌دید عرضه می‌کرد. در تمام سفرها و حرکت‌هایش، رسالت پیامبری، اولین منطقی بود که آن حضرت آن را به کار می‌بست و این مسأله از عمق رسالت پیامبری حکایت می‌نماید.

د - سازش ناپذیری در اصول

برخورداری از اصول و مبانی و اهداف عالی، مسأله‌ای است که می‌طلبد، رهبر یک حرکت در مرام‌نامه‌ی اصولی خودش، مدهانه نداشته باشد. قرآن مجید هم در دل استراتژی دعوت، عدم سازش و نفی مدهانه را مطرح کرده است. چنان که می‌فرماید:

«ودوا لو تدهن فیدهنون»، دوست دارند که تو با آنها سازش کنی تا آنها

با تو از در سازش وارد شوند.

پیامبر اکرم ﷺ در مسائل شخصی، کاملاً با نرمش برخورد می‌کرده است، اما

در مسائل اصولی، هرگز از در نرمش و سازش وارد نمی‌شده و این، خصلت مهم

رهبری های بزرگ اجتماعی است.

ظاهراً در فتح مکه است، زنی از اشراف قریش دزدی کرده است، به حکم قانون اسلام دست دزد باید بریده شود، وقتی قضیه ثابت و مسلم شد و زن اقرار کرد که دزدی کرده ام، می بایست حکم درباره ی او اجرا می شد، این جا بود که توصیه ها و وساطت ها شروع شد، یکی گفت یا رسول الله اگر می شود از مجازات صرف نظر کنید، این زن، دختر فلان شخص است که می دانید چقدر محترم است، آبروی یک فامیل محترم از بین می رود، هر چه گفتند فرمود: محال و ممتنع است. آیا می گویند من قانون اسلام را معطل کنم؟ اگر همین زن یک زن بی کس می بود و وابسته به یک فامیل اشرافی نمی بود، همه ی شما می گفتید، بله دزد است باید مجازات شود... ابداً شفاعت ها و وساطت ها را نپذیرفت (مطهری، ۱۳۶۸، ۲۳۸).

ه - برخورداری از ضابطه در دعوت

دعوت باید منجر به تغییرات کلان در سطح جامعه گردد، افکار و اندیشه ها را در معرض تغییرات بنیادی و ماهوی قرار دهد، چه این که دعوت بدون تغییر، دعوت نخواهد بود. دعوت، باید از فرد داعی گذر نموده و به دعوت شده برسد و در ذهن او آموزه های دعوت جای گرفته و به عنوان آموزه هایی قابل دوام و عمل و تبعیت پذیرفته شود و در دل فرد مخاطب اثر بگذارد، او را بسازد و در مسیر تغییراتی کلان قرار دهد.

این گونه دعوتی، باید منجر به انتقال صحیح معارف مورد دعوت در ذهن و اندیشه ی مخاطب گردد و در قلب مخاطب به خوبی نفوذ کند و عالم روانی او را در معرض بزرگ ترین تغییرات قرار دهد و در تداوم خویش سبب تحول اجتماعی شود. قطعاً چنین دعوتی باید از ضابطه ها و شرایطی برخوردار باشد. دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دعوتی نافذ بوده در قلوب اثر عمیق گذارده و منجر به تغییرات بنیادی همه جانبه، و ماهوی گردیده است، که نمونه های این اثربخشی و

تأثیرگذاری و تغییر و تحول را در کلیت تاریخی مشاهده می‌کنیم. پیامبر ﷺ این دعوت را به سهولت انجام نداده است، بلکه با مکانیسم و ضوابطی، این تغییرات را مورد توجه قرار داده است، که باید به ضوابط این نوع تغییر به وسیله دعوت نیز اشاره کنیم.

۱) بهره‌برداری از صفت مدارا

منحرفان جامعه را نمی‌توان به وسیله عامل‌های تند و خشن به راه مطلوب و هدایت دعوت نمود، بلکه صفت رفق و مدارا صفتی است که باید به وسیله آن دور افتادگان از وادی هدایت را به راه آورد. صفت رفق و مدارا قادر است بهترین اثربخشی‌ها را در مخاطبان ایجاد کند. مدارا در دعوت، به مفهوم آن است که یکباره و به صورت حاد و تند، اصول و ایده‌ها و آرمان‌ها را منتقل ننماید. پیامبر اکرم ﷺ در استراتژی خودش در باب دعوت، برخوردهای تند و یکباره را نمی‌پسندد، بلکه باید به صورت تدریجی و تا حدودی که بشود به خوبی آرمان‌ها را منتقل نمود با صفت مدارا برخورد کرد. ایشان از روش‌های تند و خشن پیروی نمی‌کردند. چنان‌که هنگامی که معاذبن جبل را می‌خواهد به یمن بفرستد، به او می‌فرماید:

«بشر و لا تنفر، یسر و لا تعسر» (مطهری، ۱۳۶۸، ۲۴۰).

بشارت بده و نفرت ایجاد نکن، آسان بگیر و سخت مگیر.

ایمان هرگز با اجبار و اکراه نسبت ندارد، دعوت باید در دل‌ها نفوذ کند و با اراده و عشقی وافر گروندگان و تازه ایمان آوردگان گرایش یابند و این، مستلزم برخورداری از صفتی است به نام مدارا. علی علیه السلام درباره‌ی ایمان‌هایی که با اکراه و اجبار به وجود می‌آیند جمله‌ای دارد که می‌فرماید:

«لا لزمت الائمةا معانیها» (صبحی صالح، ۱۳۹۵ هـ، ۲۹۲).

اسمائی که بر زبان افراد خواهد آمد هماهنگ با معانی نخواهد بود.

یعنی در صورتی که ایمان‌ها با صفت رفق و مدارا منتقل نشده و با اجبار انتقال

یابند، دیگر ایمان نخواهند بود. در ادامه‌ی همین جملات، علی علیه السلام نحوه‌ی دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را، که با رفق و مدارا آمیخته و تأثیرگذاری معجزه گونه‌ای داشته است، توضیح می‌دهد.

«فانظروا الی مواقع نعم الله علیهم حین بعث الیهم رسولاً ففقد بملته طاعتهم و جمع علی دعوته طاعتهم، کیف نشرت النعمة علیهم جناح کرامتها، و اسالت لهم جداول نعیما، و التفت الملة بهم فی عوائد برکاتها فاصبحوا فی نعمتها غریقین، و فی خضرة عیشها فکهنین، قد تربعت الامور بهم فی ظل سلطان قاهر، و آوتهم الحال الی کشف عز غالب، و تعطف الامور علیهم فی ذری ملک ثابت، فهم حکام علی العالمین» (صبحی صالح، ۱۳۹۵ هـ، ۲۹۸).

پس بنگرید به جایگاه بلند نعمت‌های خدا بر آنان، در زمانی که خداوند رسولی کریم را بر ایشان برانگیخت، آنان را مطیع کیش و آیین خود ساخت و نعمت الهی پر کرامت را بر سرشان افکند و برای آنان گونه‌های نعمت‌های خدا را ترسیم نمود. آنها را در برکتی کلی پس از تفرقشان جمع نمود، پس شب را به صبح آورده در حالی که غرق در نعمت‌های الهی بودند و در عیش معنوی غرق شده بود، و امور آنان در پرتو سلطنتی معنوی و قاهر قرار گرفت و به عزتی غالب دست یافتند و امور سخت رام دستشان گردید.

سپس حضرت نحوه‌ی تحقق این امر را با شرح صدر و مدارای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان می‌فرماید، که با کلمه‌ی «لا تفرح لهم صفاة»، یعنی کاری نمی‌کرد که آنان شکسته شوند، بر آنان صدمه نمی‌زد که شکسته شوند، یعنی همه‌ی این خیرات و برکات، به سبب این خصلت بود که همان خصلت مدارای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بوده است.

۲) استفاده از وسایل مشروع در دعوت

اگر دعوت دارای اهدافی عالی و ارجمند است و دعوت کننده مأموریت دارد

بشریت را به آرمان‌هایی مقدس و آموزه‌هایی عالی فراخواند و آن آموزه‌های بلند را در جان‌شان بنشانند، لزوماً همین علو اهداف و آرمان‌ها طلب می‌نماید که داعی (دعوت کننده) در ابلاغ رسالت خویش از وسایل مشروع بهره ببرد، زیرا که هدف، تبلیغ دین است، دین هم هدفی پاک و مقدس است، قرار بر این نیست که فقط هدف انسانی باشد، بلکه باید وسایلی که از آنها برای ابلاغ این هدف استفاده می‌شود، آن وسایل هم عالی باشند، ارزشی باشند، حتی باید نحوه‌ی استفاده از وسایل هم سازنده باشد و در خطی مقدس قرار داشته باشند.

هرگز انبیاء در سیره و روش خودشان، برای رسیدن به حق، از باطل استفاده نمی‌کردند. برای رسیدن به حق هم از خود حق استفاده می‌کنند (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۲۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از وسیله‌های نامشروع نظیر دروغ، سوء استفاده از جهل مردم، افترا، دامن زدن به خرافات برای اثبات یک حقیقت بهره نمی‌بردند. در تاریخ است که قبیله‌ی ثقیف به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: ما با سه شرط ایمان می‌آوریم؛ یکی این که اجازه بده یک سال دیگر این بت‌ها را بپرستیم، دوم این که این نماز بر ما گران و سخت و سنگین است، ما را از آن معاف فرما، سوم این که بت بزرگ را به ما امر مکن که با دست خودمان بشکنیم، بلکه خودتان آن را بشکنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود، خواسته اخیر شما مانعی ندارد، اما آن دو محال است، زیرا این عمل رسول اکرم صلی الله علیه و آله صحه گذاشتن بر امر بت پرستی و صحه گذاشتن بر ترک نماز، که اصل عبودیت است، را تداعی می‌کرد (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۳۴).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از جهل مردم استفاده نمی‌کردند، از خرافات، و از تحمیق انسان‌ها برای پیش بردن اهداف خودشان استفاده نمی‌کردند، بلکه استراتژی پیامبر صلی الله علیه و آله، خرافه زدایی و جهل زدایی بود و پیامبر باید به نوعی عمل نماید که خرافات و جهالت‌ها از میدان خارج شوند و دیگر مردم به جهل و خرافه دل

یکی از راه‌هایی که از آن راه بر دین ضربه وارد شده است، از جنبه‌های مختلف، رعایت نکردن این اصل است که ما همان طور که هدف مان باید مقدس باشد، وسایلی هم که برای این هدف مقدس استخدام می‌کنیم، باید مقدس باشد. مثلاً ما نباید دروغ بگوییم، نباید غیبت بکنیم، نباید تهمت بزنیم، نه فقط برای خودمان نباید دروغ بگوییم، به نفع دین هم نباید دروغ بگوییم، یعنی به نفع دین هم نباید بی‌دینی بکنیم، چون دروغ گفتن بی‌دینی است (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۴۰).

همین است معنای سخن خدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل، ۱۲۵)؛ بخوان مردم را به سوی خدایت با حکمت و موعظه‌ی نیکو.

۳) تنویر اندیشه

در استراتژی پیامبر صلی الله علیه و آله، تنویر افکار توده‌های اجتماعی مهم‌ترین مسأله‌ی مورد نظر ایشان بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تبلیغ را جریانی یک سویه، که از پیامبر آغاز می‌شود و به مخاطب منتهی شود، نمی‌دانند، بلکه آن را فراگردی می‌دانند که باید از مخاطب به پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داده شود و به شکل ایمان ظاهر شود و در حوزه‌ی عمل متجلی گردد؛ چنان که در علی رضی الله عنه و در مصعب بن عمیر اتفاق افتاد. یعنی پیامبر اندیشه‌ها، آموزه‌ها و تعالیم دین را از خدا می‌گیرد، اما به او متوقف نمی‌شود، بلکه در نتیجه‌ی نوع دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله، آن آموزه‌ها به مخاطب منتقل شده، فکرش و عقیده‌اش را جهت داده و می‌شوراند و او را در حرکتی بزرگ به تکاپو وامی‌دارد و مخاطب، تبدیل به یک پیام رسان می‌شود. نمونه‌اش مصعب بن عمیر است، که آموزه‌ها چنان به او منتقل شده که به مدینه می‌آید و در مدینه پیام آور رسالت نوین می‌شود و همان آموزه‌ها را گویا پیامبر صلی الله علیه و آله با زبانی دیگر توضیح می‌دهد. مدینه را برای هجرت آماده می‌کند،

مردمی ایمان می آورند و عاشقانه و بی صبرانه منتظر ورود پیغمبر ﷺ در ثنیه الوداع می باشند.

در دل استراتژی

پیامبر اعظم ﷺ، در دل استراتژی خویش، مراحلی را برای دعوت در نظر داشته است که می توان به طور کلی، دو مرحله را مورد تبیین قرار داد.

مرحله ی نخست: تربیت شخصیت

ساختن شخصیت های تأثیرگذار در دعوت نبوی، هسته ی اولیه کار پیامبر ﷺ را بازخوانی می نماید. پیامبر ﷺ در استراتژی خود، که بخش هایی از آن را شرح نمودیم، اهتمام به تربیت نفوس پاک و وارسته دارد و لذا کار خویش را از تنظیم عقاید فردی می آغازد و به فرد سازی، به عنوان مقدمه ای بر ساختن یک امت کلان اهتمام می ورزد. دعوت های آن حضرت، در خانه ی ارقم بن ابی ارقم، که هسته ی اولیه ی سازمان دعوت پیامبر ﷺ را تشکیل می داد، به افراد توجه دارد. فرد سازی را می آغازد و از تأثیر در عقاید آنان به شکل بسیار بنیادی، وارد معرکه های جدید می گردد.

مبارزه از جنبه ی اعتقادی آغاز گشت و بر اثر آن نهضت و انقلاب اعتقادی صورت گرفت. در نتیجه، با گرویدن گروه کم شمار پر انرژی، هسته ی اولیه ی یک ملت به وجود آمد. این گروه، پیوندهای سیاسی، اقتصادی خویش را، به تدریج، از سازمان جامعه ی جاهلی گسسته، میان خویش ارتباط را صمیمانه تر و محکم تر ساختند. به سربازان حمله ور اعتقادی بدل شده در ابطال آیین حاکمه و تبدیل مشرک به موحد کوشیدند و جنبش را تشدید نمودند (فارسی، بی تا، ۳۳).

پیامبر اکرم ﷺ، در استراتژی فعال خودش، تربیت نسلی پاک باخته را مد نظر قرار داده است و اصولاً تا ساختن نسلی پاک تحقق نیابد، نمی توان انتظار

حرکت‌های بزرگ‌تر، در پهنه‌ای وسیع‌تر را داشت، چه این کار، شدنی نخواهد بود. لذا پروراندن نیروی انسانی مهذب و متجانس و هماهنگ و متناسب با قد و اندازه‌ی آرمان‌های الهی، ضرورت اولیه‌ی حیات نبوی بوده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طریق بسط عامل ساختن شخصیت، تدریجاً از مرحله‌ی بسته، به مرحله‌ی باز پیش می‌رود و از فردسازی به جامعه‌سازی متناسب با منش شخصیت اسلامی پیش می‌رود که دو نمونه‌ی مکه و مدینه، بازگوکننده‌ی این حقیقت سترگ است.

در اثر این اقدامات بلند بود که امتی بزرگ متولد شد که در آینده بنیان‌گذار تمدنی درخشان و معنوی شدند؛ ملتی صالح، هم‌کیش، که این مهم جز از راه جهاد و نهضتی تربیتی امکان‌پذیر نبود و بالاخره پدیده‌ای حیرت‌انگیز، در دل تاریخ، با شیوه و مرامی که پیامبر صلی الله علیه و آله گزینش کرده بود پدیدار شد، به این گونه که از دل صحرا و از درون قبایلی مشرک و متخاصم با یکدیگر، که با هیچ قانون نوشته‌ای نسبت نداشتند، ملتی و امتی پدیدار شد که در آینده‌ای نزدیک، پرچم اندیشه، تفکر، علم، آزادی، کمال را به دست گرفت و قادر شد که بزرگ‌ترین و مقتدرترین دستگاه‌های حاکمه‌ی جبار زمان را براندازد.

این ملت، بی‌تمهید و تربیت و یکباره و تصادفی به وجود نیامد، بلکه به تعبیر دقیق قرآن، از دل هستی به بار آمد، تکوینش مایه‌ی بسیار از رنج و شفقت و جهاد برد تا خصایصی را که قرآن در «ایمان به خدا» و فعالیت اصلاح‌گراانه به خاطر خیر انسانیت، خلاصه کرده است باز خورد یافت (فارسی، بی‌تا، ۱۴۲).

با جنبش تربیتی و شخصیت‌سازی پیامبر صلی الله علیه و آله، عقاید موهوم، عادات غلط دستگاه‌های اجتماعی ناروا و سنت‌های نعصب‌آمیز قبیله‌ای، به یک سو نهاده شد و به تدریج این امکان پدیدار شد که بینش آنان نسبت به زندگی و نوع زندگی و گزینش راه و مرام مبتنی بر عادات عالی تغییر یابد. آنان را به سان ملتی شکل یافته، مسؤول و موظف پدیدار نمود که بعد از این افراد تربیت شده‌ی مکتب

پیامبر ﷺ، خود را موظف و مسؤول نسبت به تغییر شرایط دانستند. در دل این حرکت، این نکته را هم می‌نگریم که آن حضرت ﷺ، شیوه‌های جهادی و مبارزاتی خود را با شیوه‌ی ساختن شخصیت اسلامی، تطبیق می‌نماید و هماهنگی در بین آنها به وجود می‌آورد تا تخلف از نتیجه را سبب نگردد.

موفقیت پیامبر ﷺ در ساختن شخصیت

پیامبر ﷺ در پرتو تعالیم آسمانی قرآن، شخصیت‌هایی درست‌کار و شرافت‌مند و دل‌سوز و فعال و نستوه و مجاهد پرورش دادند و تحولی شگرف را در گستره‌ی تاریخی سبب گشتند؛ آن هم از دل مردمی تبهکار و وحشی که به غارت و غارت‌گری و خوی حیوانی عادت کرده بودند. مثلاً عبدالله رواحه که یک عنصر متعصب جاهلی بوده، چنان منقلب شد و به درجه‌ای از تعالی روحی و منش انسانی دست یافت که رفتارش به عنوان یک شخصیت اسلامی، به عنوان الگو برای دیگران مطرح شد. او، «مأمور شده بود از اهالی خیبر مالیات بر درآمد بگیرد و برای این کار می‌بایست محصولات و عواید کشاورزی آنان را بسنجد تا از روی آن مبلغ مالیات معلوم گردد، این درآمد معمولاً میان فقیران و مستحقان همان منطقه تقسیم می‌شد، وقتی به آنجا رفت، یهود خیبر به رسم همیشگی از پی تطمیع او برآمده، رشوه‌ای عرضه کردند که از جواهرات زنانشان بود و گفتند: این را از ما بستان و در برابر، به هنگام ارزیابی محصول، چشم از مقداری فروبند. بی‌درنگ رشوه را پس زده و گفت: گرچه شما از اهالی خیبر پیش من از هر کس منفورترید، اما این باعث نمی‌شود که در کار اخذ مالیات بر شما ستم یا اجحاف کنم، ضمناً هرگز حق عموم را به خاطر رشوه‌ای پایمال نخواهم کرد، رشوه‌هایی که پیشکش کرده‌اید حرام است و گرفتنش حرام خواری و ما حرام خواره نیستیم (سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ۱۹۳۰ م، ۲۰۰ و فارسی، بی‌تا، ۱۴۰).

مرحله‌ی دوم: ایجاد حکومت

دعوت پیامبر ﷺ، و استراتژی واحد پیامبر ﷺ، نتیجه‌ای گران‌سنگ را به ارمغان آورد. ساختن شخصیت‌های اسلامی به تدریج نتیجه داد و پیامبر ﷺ را به آرمان بزرگ خویش رساند و آن، تشکیل حکومتی الهی و آسمانی بود که احکام و قواعد آن در جامعه‌ی بشری پیاده شود و عدالت و رفاه و آزادی و معنویت و حکمت نتیجه‌ی آن باشد.

محمد بن عبدالله ﷺ پیش از هر چیز، نبی بود و الهامات پروردگار را به بشریت در مجموع، می‌رسانید تبلیغ وحی مسؤولیت و سمتی بشری، یعنی عام و جهانی به شمار می‌رفت. در نتیجه‌ی ادای این مسؤولیت و ابلاغ وحی و تبلیغات اعتقادی، طبعاً عده‌ای به آئینش گرویده و مسلمان شدند، بر اثر ایمان و پیروی آنان، مقامی تازه و مسؤولیتی جدید یافت. مسؤولیت زمام‌داری مسلمانان و اداره‌ی جامعه‌ی ایشان و طریقه‌ی تصدی و شیوه‌ی تأسیس دولت اسلامی کاملاً تازگی داشت و با نظایر خود بیگانه بود (فارسی، بی‌تا، ۱۴۰).

در شیوه‌ی حکومت، دقیقاً همان استراتژی‌ها محفوظند. ایشان تصویری که از حکومت ارائه می‌کنند، در راستای همان آرمان‌هایی است که در شخصیت‌سازی مورد توجهشان بوده است.

ماهیت حکومت اسلامی رویه‌ی آن را ملاطفت‌آمیز و مشورتی ساخته است. از شرایطی که قرآن برای رویه‌ی حکومت‌کنندگان تعیین کرده است، یکی ملاطفت‌آمیز بودن و دیگر مشورتی بودن است. نرم‌خویی و برخورد برادرانه‌نخستین حاکم را می‌ستاید و تقدیر می‌کند (فارسی، بی‌تا، ۱۳۴).

قرآن مجید همین شیوه و استراتژی را برای پیامبر ﷺ توضیح می‌دهد.

«فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (نساء، ۱۵۳).

به خاطر رحمت خداست که تو بر آنها مهربان شدی اگر غضبناک و درشت خوی بودی از دور تو پراکنده می شدند، از آنها در گذشته و برایشان استغفار کن و با آنها مشورت نموده و هرگاه تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن که خدا متوکلان را دوست می دارد.

استراتژی پیامبر ﷺ در تشکیل حکومت و دولت هم نمونه‌ای عالی است؛ چه این که پیامبری، مدیریت معنوی جامعه در طریق آرمان‌های عالی الهی است. پیامبر ﷺ باید به تعالی رسیده باشد تا بتواند در درون جامعه‌های جاهلی، راهنمای گم گشتگان باشد و آنها را به اوج جنبه‌های معنوی و ملکوتی برساند. پیامبر ﷺ در بالای هرم اجتماع و در بالاترین سلسله مراتب اجتماعی قرار دارد و همین امر سبب تکامل و حصول قوت و قدرت و صلابت در جامعه می‌گردد. پیامبر اکرم ﷺ، شخصیتی جامع و کامل بودند؛ شخصیتی که جهان هستی را از افقی فرادست می‌نگریستند. روش و منش ایشان هیچ تفاوتی نکرده و در راه آرمان‌های عالی، خط واحد و استراتژی واحدی تعقیب می‌کرده‌اند.

«در سال دهم هجرت، که آوازه‌ی پیامبر ﷺ همه جا را فرا گرفته، مردی عرب می‌آید مدینه؛ وقتی می‌خواهد با پیامبر حرف بزند روی آن چیزهایی که شنیده، رعب پیامبر او را می‌گیرد، زبانش به لکنت می‌افتد، پیغمبر ناراحت می‌شود... فوراً او را در بغل می‌گیرد و می‌فشارد که بدنش او را لمس کند، برادر! هون علیک! آسان بگو، از چه می‌ترسی؟ من از آن جابره‌ای که تو خیال کردی نیستم «لست بملك» من پسر آن زنی هستم که با دست خودش از پستان بز شیر می‌دوشید، من مثل برادر تو هستم (مطهری، ۱۳۶۸، ۷۳).

نتیجه

دعوت پیام آوران الهی به مکتب و مرام نوین الهی، سبب بیداری انسان‌ها می‌گردد و انسان‌های فراوانی را به خود جلب می‌کند و شعاع جذب این دعوت‌ها، تناسبی ماهوی با تعالیم شریعت دارد. جذب و انجذاب‌هایی که به

شریعت اسلامی صورت گرفته و می‌گیرد، دائمی، ابدی، عام و شامل است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ، با برخورداری از یک استراتژی پویا و فعال، این دعوت را آغاز کرده است و در این استراتژی، اصولی راهبردی را نظیر ثبات مقصد، سازش ناپذیری در اصول، برخورداری از ضابطه‌های عقلانی و وحیانی، رعایت فرموده است. پیامبر اکرم ﷺ توفیق یافت، که شخصیت‌های بزرگ اسلامی را بپرورد و جامعه‌ای متناسب با آموزه‌ها و مفاهیم دعوت ایجاد نماید.

در این راستا، ایمان به راه‌گزینش شده، صبر و استقامت بی‌نظیر را وجهه‌ی عمل قرار داده و افق‌های نوینی را فراروی انسان‌ها گشوده است. الگو گرفتن از پیامبر اکرم ﷺ، یک ضرورت است و داعیان الهی باید همان روش‌ها و مبانی و استراتژی را مدل راهنمای حرکت خویش قرار دهند.



منابع و مأخذ

- ۱) قرآن مجید.
- ۲) الاصبهانی، ابی نعیم احمد بن عبدالله (۱۹۸۸ م)، نه‌ایة الایمان، بیروت.
- ۳) الطایبی، نجاح (۱۴۱۹ هـ)، اغتیال النبی، بیروت، دارالهدی للتراث.
- ۴) الملاً، احمد علی (۱۹۸۶ م)، اثر العلماء المسلمین فی الحضارة الاوردینیة، دمشق، دارالفکر.
- ۵) سید قطب (۱۹۳۰ م)، عدالت اجتماعی در اسلام، بی‌جا.
- ۶) صبحی صالح (۱۳۹۵ هـ)، نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۷) فارسی، جلال‌الدین (بی‌تا)، انقلاب تکاملی اسلام، بی‌جا.
- ۸) مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، سیره نبوی، قم، انتشارات صدرا.
- ۹) معین، محمد (۱۳۵۲)، فرهنگ معین، بی‌جا.
- ۱۰) یحیی، سید نذیر (بی‌تا)، سیاسة الانبیاء، بی‌جا.